

محورهای استراتژیک توسعه در قرن بیست و یکم

حجة الاسلام والمسلمین دژی نجف آبادی

چکیده: با توجه به اهمیت فزاینده علم، صنعت، فن آوری و اطلاعات در جهان امروز، لزوم اتخاذ راهبردهای ملی مناسب در جهت نیل به پیشرفت در این زمینه‌ها کاملاً محسوس است. این مقاله بر آن است که پیشرفت علمی و تحقیقاتی، افزایش مهارت‌های نیروی انسانی، دسترسی به اطلاعات، حضور فعال در رقابتهای اقتصادی جهانی همراه با رشد و ارتقای ممنوی باید به محورهای اصلی راهبرد توسعه ملی تبدیل شود.

مقدمه

بی شک عصری که فرا روی جهان قرار گرفته، عرصه و جولانگاه رقابتهای فشرده، شدید و جدی‌تر در زمینه‌های مختلف خواهد بود. بدیهی است کشورها و مللی در رأس جداول پیشرفت، رقابت، سابقه و کارزار قرار خواهند گرفت و گوی سبقت را از دیگران خواهند ربود که در میادین مختلف فعال‌تر و کوشاتر از دیگران عمل کنند.

در این میان پنج محور اساسی و استراتژیک را می‌توان نام برد که شاخص‌های عمده پیشرفت و توسعه در قرن بیست و یکم تلقی می‌شوند و سایر مسایل را تحت الشعاع خود قرار می‌دهند. این نوشتار با هدف تبیین این محورها به بررسی جوانب مختلف آن در ایران می‌پردازد.

پیشرفت علمی و تحقیقاتی

پایه و اساس رشد و توسعه و عزت و سربلندی هر ملتی وابسته به علم و دانش و تخصص و پژوهش در آن جامعه است. مللی می‌توانند بر سرنوشت خود حاکم شوند و در میان سایر ملل

سربلند و سرافراز زندگی کنند و مورد تکریم و احترام جهانیان قرار گیرند که از نظر شاخصهای علمی، فنی، تخصصی، دانشگاهی و کارشناسی گوی سبقت را از سایرین بر بایند و بر بام علم و دانش و پیشرفتهای چشمگیر آن تکیه زنند. بی شک چنین جامعه‌ای به کانونی از علم و دانش مبدل خواهد شد؛ در این صورت نه تنها دست نیاز به طرف دیگران دراز نخواهد کرد، بلکه دیگران به آن محتاج و نیازمند خواهند بود. دانشمندان و اندیشمندان آن جامعه به هر سرزمینی که مهاجرت کنند، بار علم و ادب را به دوش خواهند کشید و برای ملت و کشور خود افتخار می‌آفرینند. همانا بزرگترین ذخیره و منبع قدرت، حیات، حرکت، انرژی و سازندگی برای هر ملتی نیروی انسانی و ذخایر علمی، فرهنگی و معنوی آن ملت است.

شاخصهای عمده پیشرفت علمی و تحقیقاتی

الف. نسبت بودجه تحقیقاتی به تولید ناخالص ملی

این نسبت در کشورهای پیشرفته و توسعه یافته بین ۳٪ الی ۴/۶ درصد و در کشورهای در حال توسعه بین ۲/۵ تا ۸ درصد است؛ در حالی که در جمهوری اسلامی ایران طبق برآورد برنامه دوم، قرار است به ۱/۵ درصد افزایش یابد، که در این صورت ۵۰ درصد آن سهم بخش عمومی و دولتی و ۵۰ درصد دیگر سهم بخش غیر دولتی خواهد بود.

ب. تعداد دانشجو در هر صد هزار نفر جمعیت

در کشورهای توسعه یافته نسبت فوق بین ۲۵۰۰ تا ۵۰۰۰ متغیر است و در کشورهای در حال توسعه بین ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ و در جمهوری اسلامی ایران حدود ۱۲۰۰ الی ۱۳۰۰ است.

ج. تعداد محقق در هر یک میلیون نفر جمعیت

تعداد محقق در هر یک میلیون نفر جمعیت در کشورهای توسعه یافته بین ۲۵۰۰ الی ۶۷۰۰ نفر و در کشورهای در حال توسعه بین ۱۵۰ الی ۲۲۰۰ نفر است؛ در حالی که در ایران تنها حدود ۱۰۰ نفر در میلیون برآورد شده است.

د. نسبت استاد و مدرس به دانشجو

این نسبت برای کشورهای پیشرفته بین ۵ تا ۷ نفر و در کشورهای در حال توسعه ۵ تا ۲۴ نفر است. در ایران برای هر ۲۱/۷ دانشجو یک استاد وجود دارد.

در شرایط کنونی با توجه به تأکید عمیق و همه جانبه اسلام نسبت به تحصیل علم و دانش از یک سو و تأثیر پیشرفت علمی در رشد و توسعه و ارتقای مادی و معنوی جامعه از سوی دیگر، یک تحول عمیق علمی جهت حضور قدرتمندانه در مراکز علمی جهان و تحصیل عزت و قدرت و رهایی از وابستگی علمی، تکنولوژیکی و تحقیقاتی و ایجاد کانون نورانی و پربرکت برای دنیای اسلام و کشورهای جهان سوم ضرورتی انکار ناپذیر دارد.

باید تلاش کرد تا از طریق کاستن از هزینه‌های زاید و غیر ضروری، سهم بیشتری را به رشد و ارتقای کیفیت و کمیت علمی، فنی و تحقیقاتی جامعه اسلامی اختصاص داد و با تأکید بر محور علم و دانش، به پرورش آن در دامان محققان خود پرداخت تا بتوان جبران ضعفها و نارساییهای گذشته را نمود و کشور را در زمره کشورهای توسعه یافته از نظر علم، تحقیق و تکنولوژی قرار داد.

خوشبختانه جوانان و نوجوانان ملت ما استعداد لازم را برای پیشرفت و ارتقای علمی دارا هستند. حضور جوانان کشور در المپیادهای مختلف جهانی و موفقیت‌های آنها نشان دهنده توان بالای آنان برای تسخیر قله‌های علمی، فنی و معنوی جامعه است.

مهارت و تخصص نیروی انسانی

در حقیقت، عامل اصلی توسعه در هر جامعه‌ای نیروی انسانی ماهر و متخصص آن است، زیرا هدف توسعه عبارت از افزایش توانایی انسان در بهره‌برداری از منابع و مواهب الهی به منظور بهبود شرایط زندگی و تأمین رفاه آحاد ملت است؛ چنانچه توانایی نیروی انسانی ارتقاء یابد، زندگی بهتر و استفاده بهینه از منابع و امکانات میسر خواهد شد. توسعه در واقع بدست انسان و برای انسان است و به واسطه آن طبیعت و زندگی متحول خواهد شد. عامل موفقیت کشورهای توسعه یافته که مورد غبطه و رشک سایر ملل هستند، در نیروی انسانی، کیفیت آموزش، کارآموزی، ارتباط انواع آموزش و دوره‌های آموزشی و به طور کلی در راهبرد آموزشی آنها نهفته است. با نیروی کار آموزش دیده، با تجربه و ماهر کارها با نظم و نسق و جدیت و به طور سامان یافته به پیش می‌رود و ضایعات و تلفات به حداقل خود می‌رسد و ارتباط میان رده‌های گوناگون کاری برقرار می‌شود.

در بخشی از کتاب دیویدی بزرگ آمده است که: مهارتهای کاری بهتر، فرایندی دو مرحله‌ای است که بخش عمومی و خصوصی را در برمی‌گیرد. نخست کارگران باید پس از اتمام دوره دبیرستان با دستمایه‌ای از مهارتهای تحصیلی خود به نیروی کار بپیوندند. در تاریخ آمریکا این

مرحله از وظایف دولت بوده است. در ثانی، دیگر شرکتها باید در زمینه ایجاد مهارتهای شغلی ویژه، سرمایه گذاری کنند. آموزش مهارتها باید در ادامه و در راستای همین تحصیلات عمومی دوره دبیرستان صورت گیرد. در آمریکا این مسؤولیت به عهده بخش غیر دولتی بوده است.

مسأله حایز اهمیت، ارتباط متقابل کار و دانش است، به طوری که به سهولت بتوان از هر یک به دیگری منتقل شد و بر تکمیل آن افزود؛ دانش و آموزش باید در راستای نیازها و ضرورتهای اجتماعی، ملی و بین‌المللی باشد. موضوع مهم این نیست که همه به دبیرستان و دانشگاه راه یابند و صاحب مدرک و عنوان گردند و به عنوان کارشناس و متخصص در سطوح مختلف فارغ التحصیل شوند، بلکه مهم آن است که مدرسه، دبیرستان، هنرستان و نظام جدید آموزش با زندگی ارتباط پیدا کند و زمینه انتقال افراد را از محیط علم و مدرسه به محیط کار، صنعت، کشاورزی، تولید، مدیریت، برنامه‌ریزی و سایر خدمات اجتماعی فراهم کند؛ و در یک کلام بین آموزش و مهارت و تخصص رابطه‌ای تنگاتنگ و سازنده برقرار سازد.

در اینجا باید بر دو نکته تأکید کرد:

الف. سیاستها و راهبردهای کلی و کلان: اکنون جامعه ما نیازمند سیاستگذاری مناسب و دراز مدت، توأم با آینده نگری برای نیروی انسانی و منابع کاری است تا زمینه مناسبی برای رشد و شکوفایی استعدادها فراهم شده و در راستای تحقق اهداف توسعه ملی و اجتماعی، استعدادهای بالقوه به فعلیت مبدل شوند.

این شیوه باید بتواند از طریق برقراری ارتباط بین کار و تلاش اجتماعی با آموزش، کار با مهارت عرضه کند و آموزش را وسیله‌ای برای بهتر انجام دادن کارها قرار دهد و از هر یک در جهت عمق بخشیدن به دیگری و بهره‌برداری بیشتر و سازنده تر استفاده کند. تلفیق کار و آموزش حتی نسبت به کارگران ساده نیز بسیار با اهمیت است و می‌تواند آنها را به کارگران ماهر و با تجربه تبدیل کند که کار تکنسین‌ها را انجام دهند.

ب. وظایف، مسؤولیتها و روشهای اجرایی: در قدم بعدی باید به تبیین وظایف و مسؤولیتهای دستگاههای مختلف دولتی و غیر دولتی پرداخت تا هر نهادی ضمن آشنایی با وظایف خود نسبت به نظام فنی و حرفه‌ای و ارتباط کار و آموزش و پرورش و گسترش فرهنگ کار توأم با مهارت و آموزش و تخصص در جهت تحقق اهداف، آرمانها و سیاستها حرکت کند و خود را در برابر آن

مسئول بدانند.

در این ارتباط، مسئولیت آموزش و پرورش و سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای از دیگر نهادها حساس تر و تعیین کننده تر است، تا از طریق آموزش و تربیت نیروی کار و افزایش سطح تخصص و مهارت و ایجاد انگیزه و علاقه جهت کار و دانش تلاش کند و بستر مناسبی برای آموزشهای فنی و حرفه‌ای پدید آورد.

در بخشهای عمومی نیز وظیفه سازمان امور اداری و استخدامی جهت آموزش کارکنان، کارگزاران و مدیران دولتی بسیار مهم و مؤثر خواهد بود.

در بخش غیر دولتی، کلیه شرکتهای، سازمانها، کارگاهها و کارخانهها باید برای آموزش نیروهای خود و افزایش کیفیت و بهینه‌سازی آن به طور مرتب و پیوسته برنامه ریزی کنند و سهمی از سرمایه‌گذاری و هزینه‌های خود را به آموزش و ارتقای مهارت کارکنان و مدیران اختصاص دهند. این آموزشها لازم است در بدو ورود کارکنان آغاز شود و در طول خدمت استمرار یابد و پیوست از تجارب، فنون و ابتکارات جدید استفاده شود و بر عمق مهارت و دانش کارکنان و مدیران افزوده شود.

متأسفانه در بخشهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه ما به دو مسأله حایز اهمیت تحقیقات و آموزش کمتر توجه شده است؛ در حالی که رمز موفقیت هر واحد تولیدی، صنعتی، آموزشی و کلیه صنوف و واحدهای مختلف اجتماعی در گرو سرمایه‌گذاری و عنایت بیشتر به این دو امر حیاتی است. آینده در گرو نیروی انسانی کارآموده و با مهارت است و هر جامعه‌ای که نیروی آموزش دیده و کارآموده بهتر، با تجربه تر، وظیفه شناس تر و مدیرتر داشته باشد، موفق تر و عزیزتر خواهد بود.

خوشبختانه جامعه ما با توجه به هرم سنی و جمعیت جوان و با استعداد از شرایط خوب ارزنده‌ای برخوردار است که این خود بزرگترین و ارزشمندترین ذخایر و سرمایه‌های خدادادی است. اکنون هنر در هدایت صحیح، آموزش مناسب و اداره مطلوب این منبع عظیم الهی، اسلامی و ملی است تا به نحو شایسته و متناسب با نیاز جامعه تربیت شود.

تفاوت عمده جامعه ما با کشورهای نظیر ترکیه، پاکستان و هند در منابع نفتی ما است. اما آنها به جای نفت به صادرات نیروی انسانی آموزش دیده و خدمات فنی مبادرت می‌ورزند، لیکن ما

همواره به درآمدهای نفتی وابسته بوده‌ایم. امروز زمان آن فرارسیده که به جای نفت و صادرات نفتی و مواد خام، به صادرات مغزها، اندیشه‌ها، مهارتها و نیروی انسانی توانا همت گماریم. مهندسان متخصصان، پزشکان، پیمانکاران، کارگران و آحاد جامعه نه تنها در سطح منطقه بلکه در سطح جهانی باید به رقابت برخیزند و با صدور نیروی انسانی کارآمد، منابع عظیم ارزی برای کشور تأمین کنند و خود به صورت بزرگترین شرکتهای خدماتی و سازندگی درآیند و در قراردادهای مناقصه‌های بین‌المللی شرکت کنند و همان طور که در المپیادهای مختلف موفق شده‌اند، در تسخیر سنگرهای اقتصادی، پیمانکاری، مهندسی و طراحی نیز موفقیت‌های چشمگیری را به خود اختصاص دهند و گوی سبقت را از دیگران بر بایند.

دسترسی به اطلاعات و داده‌ها به روز

عصر حاضر، عصر ارتباطات است به طوری که شاهراههای اطلاعاتی، مخابراتی، کانالهای خبررسانی جهانی اهمیتی در حد شاهراههای زمینی، هوایی و دریایی پیدا کرده است. با پیشرفت علم و تکنولوژی و افزایش قدرت رسانه‌های جمعی و اطلاعاتی و امکانات وسیع در زمینه مبادله اطلاعات، چنین معروف شده که جهان به صورت یک دهکده در آمده و یا به زودی به این وضعیت خواهد رسید. کانالهای ماهواره‌ای، تلویزیونی، ارتباطی و شبکه اینترنت با سرعت و قدرت عجیب و تکان دهنده‌ای میلیونها اطلاعات را از یک نقطه به دورترین مکان در ظرف چند ثانیه منتقل می‌کنند. دنیا همیشه بر پایه اطلاعات و دانش استوار بوده و اداره شده و در آینده نیز سلطه علمی - اطلاعاتی عامل موفقیت ملتها خواهد بود.

محورهای عمده در بحث اطلاعات

اطلاعات مانند هر کالای دیگری تولید، توزیع و مصرف دارد، لیکن این کالا در آینده حساس‌ترین، سرنوشت سازترین و ارزشمندترین کالاهاست. زیرا حجم عظیمی از اطلاعات را می‌توان از یک نقطه به دورترین نقطه در یک لحظه بدون اتلاف وقت و انرژی انتقال داد، حال آنکه هیچ کالایی از این امتیاز برخوردار نیست. هر جامعه‌ای که دسترسی بیشتر و سریع‌تری به اطلاعات داشته باشد، از قدرت تصمیم‌گیری و رقابت بالاتری برخوردار است و در مسابقات و مبادلات جهانی موفق‌تر خواهد بود. لذا توجه به این محور و لزوم تجهیز به آن و ورود به بازارهای اطلاعاتی اهمیتی انکار ناپذیر دارد.

در اینجا ذکر چند نکته ضروری است:

الف. حضور فعال در بازارهای اطلاعاتی و تولید و توزیع صحیح آن در جامعه خود و جهان: ضروری است تا از طریق کار و تحقیق و یا حتی به صورت مشارکت و خرید تکنولوژی مربوطه به ملی کردن و بومی کردن اطلاعات دست یابیم و در نهایت با حضور در بازار تولید و توزیع اطلاعات جهانی، از سهم مناسب و شایسته‌ای برخوردار شویم و در رقابتهای اطلاعاتی شرکت کنیم. متأسفانه ما در بخشهای صنعتی و تکنولوژیکی همواره وارد کننده و مصرف کننده بوده‌ایم، لیکن در زمینه اطلاعات و داده‌های علمی و فنی و بازرگانی و غیره باید از هم اکنون تلاش کنیم تا به جای مصرف کننده صرف، در تولید نیز سهم عمده و قابل قبولی بدست آوریم.

ب. لزوم گزینش و انتخاب اطلاعات: معمولاً حجم عظیمی از اطلاعات ظاهر فریب و دست دوم که استفاده چندانی ندارد، در قالب فیلم و دیسکت با نازلترین قیمت در اختیار مراکز مختلف قرار می‌گیرد، لیکن اطلاعات اصلی و تحقیقاتی سودمند در مورد حساس‌ترین مسایل و فرمولهای علمی، پژوهشی و تکنولوژیهای نو معمولاً محرمانه است و با چندین برابر قیمت معمولی عرضه می‌گردد.

بنابراین باید از طریق آموزش، شناخت و دقت در انتخاب اطلاعات و ارتباط با شبکه‌های وسیع اطلاع رسانی، بهترین و مناسب‌ترین داده‌ها را بدست آورد؛ باید فرهنگ جامعه در این زمینه ارتقاء پیدا کند تا افرادی که به این شبکه می‌پیوندند، در کوره راههای اطلاعاتی متحیر و سرگردان نشوند و در برابر انبوهی از اطلاعات خود را مرعوب نبینند، بلکه با آگاهی کامل و سؤالات دقیق به منابع اصلی و دست اول مراجعه کنند و بیشترین حجم از اطلاعات ضروری را در حداقل زمان بدست آورند.

ج. لزوم تولید صنایع اطلاعاتی: یکی از ضرورتهای جدی جامعه ما، سرمایه‌گذاری علمی، انسانی، فنی و برنامه‌ریزی و هدایت بسیاری از امکانات به سمت تولید صنایع اطلاعاتی و نرم افزارها و سخت افزارها و پشتیبانی جدی از این بخش است که تلاشی همه جانبه را در جهت رشد و توسعه صنایع رایانه‌ای، اطلاعاتی و الکترونیک طلب می‌کند. با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی و نیازها و ضرورتهای جامعه این صنایع حایز اهمیت می‌باشند، زیرا به طور طبیعی ما با کارهای فردی و گروهی کوچک و متکی به فکر و تلاش شخصی بیشتر از کارهای جمعی با مقیاس بزرگ

گرایش داریم. بنابراین لازم است دولت از یک سو به بسیج و تشویق مردم به این قبیل صنایع بپردازد و از سوی دیگر در سطح کلان به برنامه ریزی، سیاستگذاری، آموزش و هدایت برای پیشرفت سریع و مؤثر این بخش، استفاده از تجربیات داخلی و بین‌المللی، تلاش در جهت به روز نمودن این صنعت و اجرای طرحهای پژوهشی و تحقیقاتی همت گمارد.

د. گسترش و ارتقای آموزش جهت استفاده از نظامهای اطلاعاتی: از طریق گسترش و ارتقای آموزش در سطح جامعه می‌توان به بهره‌برداری صحیح و مناسب از شبکه‌های اطلاعات داخلی و بین‌المللی کمک نمود به طوری که همه بتوانند به نحو احسن و صحیح از منابع و بانکهای اطلاعاتی استفاده کنند و در برابر انبوه اطلاعات و معلومات بلا تکلیف و متخیر و سرگردان نگردند.

ه. حفظ هویت و استقلال فکری، فرهنگی و دینی: روشن است که قطبهای قدرتمند اقتصادی، تکنولوژیکی و اطلاعاتی جهان مانند آمریکا و اروپا، به دنبال سلطه فکری و فرهنگی، تصرف بازارها و وابسته نمودن ملتها به خود هستند و هرگز پذیرای قدرت جدیدی در زمینه‌های فوق نیستند و هرگونه تضادی را در داخل قطب بندی موجود جهانی حل خواهند کرد تا امکان تصرف و سیطره برای آنها میسر و کم زحمت باشد.

لذا بر ما و سایر ملتها لازم است تا با برنامه‌ریزی، تدبیر صحیح و تلاش مناسب در جهت خود اتکایی و اعتماد به نفس و استفاده از سرمایه‌های ملی عمل کنیم و در عین حفظ ارتباط و تبادل اطلاعات، هویت ملی - اسلامی و اقتدار فرهنگی، اخلاقی، ارزشی و اعتقادی خود را پاس داریم و در بستر صحیح اعتقادی و رفتاری با حفظ هویت، بنیادهای عقیدتی و سنتهای حسنه دینی و تاریخی خود حرکت کنیم و انعطاف ما در حد استفاده بهینه از علم و فن آوری آنها باشد نه در حد کنار گذاشتن اصالتها، قداستها، آداب و سنن، تمایلات قلبی و جهاد عملی جامعه.

و. تربیت نیروی انسانی و مدیران شایسته: حضور فعال و همه جانبه در بازارهای اطلاعاتی و استفاده بهینه و مطلوب از آن نیازمند تربیت سربازان، کارمندان، کارگزاران و مدیران شایسته‌ای است که ضمن آگاهی از روش‌های صحیح، از قدرت تشخیص بالایی برخوردار باشند و منافع شخصی، ملی و اسلامی خود را فدای دیگران نکنند. سربازان این جبهه باید افرادی دانا، آگاه و متمیز باشند و از کید و مکر دشمنان و غارتگران جهانی و سلاطین اطلاعاتی دنیا که همه چیز را در انحصار خود دارند غافل نباشند.

جبهه آموزش و پرورش، آموزش عالی، صدا و سیما، شبکه‌های اطلاعاتی و خبری، خبرگزاریها، برنامه نویسان، مراکز آماری و تحقیقاتی و... همه به نوعی به شبکه اطلاعاتی متصل هستند و کارگزار این شبکه در مفهوم وسیع آن هستند. کارگزاران این جبهه هر چه شایسته تر، کاردان تر و با تجربه تر عمل کنند به همان نسبت به این جبهه قویتر و کارآمدتر خواهد بود. لذا باید به مسایل انسانی، نرم افزاری، برنامه ریزی کلان و آموزش بهای بیشتری داده شود تا موفقیت حاصل گردد.

حضور فعال در صحنه رقابت اقتصادی، بازرگانی و تجارت جهانی

یکی از مسایل مهم جهان در پایان قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم، مسأله تجارت و مبادله و روابط بازرگانی، پولی و اقتصادی است به طوری که حجم آن روزانه حدود ۳ هزار میلیارد دلار است و روز به روز بر رشد و گسترش آن افزوده می‌شود و رقابت بسیار فشرده و تنگاتنگی را در روابط بازرگانی و تجاری بین‌المللی ایجاد کرده است.

به قول یکی از اندیشمندان غربی، جغرافیای تجاری نوعی سرزمین جدید ایجاد می‌کند که سرنوشت آن به بخش اعظمی از مردم جهان وابسته است. قدرت سیاسی در نظر اربابان جدید جهان قدرت سوم است، قبل از آن قدرت اقتصادی و قدرت میانجیگری قرار می‌گیرد. هنگامی که این دو حاصل شد، بدست گیری قدرت سیاسی تظاهری بیش نیست.^(۱)

نقش شرکتهای بزرگ و چند ملیتی، شبکه‌های بانکی و بیمه، نظام‌های مالی بین‌المللی، بازارهای بورس و سرمایه، شبکه‌های اطلاعاتی و ماهواره‌ای و مسایلی از این قبیل، گاهی فراتر از مسایل یک کشور و حکومت عمل می‌کند و به قول پطروس غالی، واقعیت قدرت جهانی از دست دولتها خارج شده است، به حدی که جهانی شدن متضمن ظهور قدرتهای جدیدی است که بالاتر از ساختارهای دولتی قرار می‌گیرد.^(۲)

از جمله مهمترین اقداماتی که در زمینه روابط تجاری و بازرگانی جهان صورت گرفته می‌توان به اتحادیه اروپا، گات، نفتا و آ.سه. آن اشاره کرد. در ارتباط با گات، شایان ذکر است که در حال حاضر ۱۲۸ کشور به عضویت آن پذیرفته شده و ۲۰ کشور دیگر در خواست عضویت کرده‌اند. بدین ترتیب عملاً ۹۵٪ از تجارت جهانی مابین کشورهای عضو گات خواهد بود و در حقیقت با توجه به نحوه عضویت کشورهای مختلف، نظام واحد و هماهنگی بر تجارت جهان سایه خواهد

افکنند. بی تردید تجارت جهانی، حضور به موقع و آگاهانه در روابط بازرگانی، تجاری و اقتصادی جهان مسایل مهم و سرنوشت ساز آینده جهان است.

اکنون در این شرایط، وظیفه ما چیست؟ اگر قرار است که در ساختار اقتصادی، بازرگانی و صادراتی ما تحولی صورت گیرد و سهمی از اقتصاد و بازرگانی جهانی به ما اختصاص یابد، چه باید کرد؟ در این ارتباط ما اولاً به راهبرد روشن و قابل قبولی نیازمندیم؛ ثانیاً نیازمند عزم و اراده ملی و اسلامی و انگیزه عمومی برای چنین شرایطی هستیم؛ ثالثاً به شناخت بازارها، روابط تجاری و بازرگانی و اطلاعات مربوط محتاج هستیم؛ رابعاً به تولید برای صادرات، صادرات مجدد، شناخت عوامل مناسب و ایجاد زمینه باید همت گماریم. از همه مهمتر، ما نیازمند مدیران دلسوز، لایق کاردان و بصیر هستیم تا بتوانند در چنین بازار پر تنش، پیچیده و حساسی، حضور دایم و سازنده‌ای داشته باشند و با آگاهی و توانایی برای تأمین منافع ملی و مصالح عمومی فعالیت کنند و رسالت خود را به نحو احسن انجام دهند.

بازار آینده، بازار ۶ میلیارد نفر ساکنان کره زمین است، هنر این است که بتوان به صورت یک قطب قدرتمند اقتصادی، تجاری، نفتی و خدماتی در این منطقه حساس از جهان ظهور کرد و با تقویت پیمان اکو و اوپک، برقراری ارتباطات بیشتر منطقه‌ای و استفاده بیشتر از توانمندیهای منطقه و کشور نقش تعیین کننده‌ای در منطقه خلیج فارس، دریای عمان و خزر ایفا کنیم و ضمن برقراری روابط قویتر با همسایگان، کشورهای اسلامی، آسیای مرکزی و شبه قاره، بلوکی کارآمد و پرتوان بوجود آوریم. همچنین در زمینه حمل و نقل، خطوط ارتباطی، شبکه‌های بانکی و بیمه‌ای، انتقال خطوط نفت و گاز و مخابرات و کلیه اموری که به نحوی در سرنوشت ما و ملت‌های منطقه مؤثر و امید بخش خواهد بود و آینده منطقه را در ابعاد گوناگون سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی تضمین خواهد کرد، تلاش وافر به عمل آوریم. بدیهی است که ایران می‌تواند در کلیه این تلاشها، محور و کانون و مرکز منطقه باشد.

رقابت ایدئولوژیکی و نقش آن در تحولات قرن آینده

انسان موجودی تک بعدی نیست که زندگی او تنها براساس منافع مادی، سود پرستی و مادیات تنظیم و اداره شود، بلکه دارای ابعاد معنوی، الهی و انسانی است. موفقیت در این ابعاد و همچنین در بازار رقابتهای علمی، فنی، اطلاعاتی و اقتصادی مرهون موفقیت اصلی بشریت و فلاح

و صلاح و رستگاری واقعی انسانهاست چون همه حوزه‌های قبلی، جهت تأمین رفاه، آرامش، سعادت و سربلندی مادی و معنوی و به فرموده قرآن کریم حیات طیبه انسانی است. در حقیقت این ایمان و اعتقاد به خداوند متعال و روز قیامت است که به زندگی انسان، معنا و مفهوم و جهت می‌بخشد، راه صحیح زندگی و مرگ و عزت و شرافت را برای انسانها ترسیم می‌کند، باعث طمأنینه و اطمینان خاطر می‌گردد، روح تعاون و عدالتخواهی و آزادگی را تقویت می‌کند، با درنده خوئی و تجاوز به حقوق دیگران به مخالفت برمی‌خیزد، روح سالم و قلب سلیم به انسانها می‌بخشد و در نهایت تقوا، فضیلت و اعتلای جامعه را تأمین می‌کند. مولی امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «فبالایمان یستدل علی الصالحات و بالصالحات یستدل علی الایمان».

این مبانی دینی، اعتقادی و روحی است که به اندیشه‌ها جهت می‌دهد، تمایلات و غرایز را هدایت می‌کند و انسان را از غرق شدن در منجلاّب مفاصد باز می‌دارد، احساسات و عواطف را به صراط مستقیم می‌خواند، شیوه و روش رفتار انسان را تصحیح می‌کند، همه مراحل روحانی و نفسانی و جسمانی بشر را به صراط مستقیم دعوت می‌کند، در انسانها انگیزه خیر و صلاح و فلاح را پرورش می‌دهد، شوق به خدمت و عبادت و معنویت و خیرخواهی و دیگر دوستی را تقویت می‌کند و جوامع بشری را در حوزه‌های علمی، تحقیقاتی، فن‌آوری، صنعت، اقتصاد، سیاست و قدرت هدایت و رهبری می‌کند.

نیاز بشریت به معنویت

قرن بیست و یکم را باید قرن بازگشت و رجوع به انسانیت انسانها و معنویات دانست، باید تحولی ژرف و عمیق در زندگی معنوی، اخلاقی و روحی انسانها صورت پذیرد؛ و الا بشریت به منجلاّب فاسد و تباه‌کننده حرث و نسل مبدل شده و نه قادر است به خود خیری برساند و نه به دیگران و از علوم و فن‌آوری نیز به تنهایی کاری ساخته نیست.

در نوشته‌ای آمده بود که علل عمده مرگ و میر انسانهای غربی در پایان قرن، بیماریهای عفونی و... بوده است و در پایان قرن بیستم، فشارهای عصبی و روحی که منجر به سکنه‌های قلبی و مغزی شده و همچنین آثار ناشی از تضادفات و دیگر حوادث خوشونت بار بوده است. این مقایسه به روشنی گویای مسایلی است که در آخر دو قرن گذشته بر بشریت حادث شده است؛ در یک قرن به واسطه پیشرفت کمتر در علوم و فن‌آوری، امراض مهلک عامل مرگ و میر بود و در قرن بعدی با

پیشرفت نسبی بهداشت و درمان، تا حدودی این قبیل بیماریها در غرب کنترل شده است، اما آثار زندگی ماشینی و فشارهای عصبی و روحی و نابسامانیهای اجتماعی به صورت سخته، امراض عصبی و فشارهای روحی بزرگترین عامل مرگ و میر بوده است.

اما در پایان قرن بیست و یکم چه مسایلی حیات بشری را تهدید خواهد کرد؟ آیا بناست مسیر کنونی در غرب تداوم یابد و نابسامانیهای اجتماعی، اخلاقی، معنوی، فرهنگی، بی هویتی، سرگردانی و تحیر، فروپاشی بنیادهای خانوادگی و بحرانهای موجود به سایر کشورها سرایت کند و بشریت را به یکباره به کام مرگ و فساد بکشد و ما شاهد بیماریهای ناشناخته جدید ناشی از این شرایط باشیم؟ و یا روزهایی از امید، نشاط، حیات، حرکت، ایمان و معنویت هست که بشریت بدان امیدوار باشد؟ روزهایی که منابع و امکانات الهی و بشری را در جهت رشد و تعالی به کار گیرد، در برابر سیل خروشان فساد بایستد و از کیان بشریت و ارزشهای الهی و معنوی دفاع کند و فضایل انسانی را پاس دارد.

بزرگترین و فاجعه آمیزترین دردها و مصایب جوامع بشری عبارتند از: وضعیت نامتعادل و ناهماهنگ رشد اقتصادی در غرب، فقر شدید کشورهای جنوب، تضاد و تعارض قدرتها و ملتها، بی عدالتی و نابسامانی حاکم بر روابط جهانی، حاکمیت اصل زور و قدرت و اسلحه، رواج تصویر غلط از جهان و زندگی انسان، بی تنش ضعیف و جاهلانه و ظالمانه حاکم بر روابط ملتها، نبود سکینه و آرامش روحی و روانی، عدم امنیت و حریت و نوع دوستی و تعاون ملی و بین المللی و همزیستی مسالمت آمیز، بلایایی که عامل بحران و ناامنی میان انسانها گردیده، و فقر و گرسنگی و فساد را به ارمغان آورده است. اکنون بر مصلحان، آزادبخواهان و اندیشمندان جوامع بشری است که تا دیر نشده برای اصلاح جامعه و انسانیت و عدالت به پا خیزند و در برابر سیل بنیان کن فساد و فحشا و منکرات به مبارزه برخیزند و راه سلامت و سعادت را برای حیات انسانی فراهم و هموار کنند.^(۳)

باید در چهارچوب یک نظام الهی، حقوق و روابط بین الملل با رعایت کامل منافع و مصالح ملتها و حفظ ارزشهای معنوی، و نه بر اساس زور و سلطه و قدرت، از نو تعریف شود. قانونگذاران نیز باید از نظر اخلاقی و انسانی صلاحیت لازم را دارا باشند و در راستای فطرت اصیل انسانی حرکت کنند. باشد تا با اجرای این قوانین الهی و فطری، دوستی به معنی واقعی جایگزین جنگها و ستیزه گریهای قومی و منطقه ای برای منافع مادی گردد.

هدف و غایت خلقت انسان در فلسفه اسلام

به منظور ترسیم خطوط کلی زندگی جهت پیمودن راه و تعیین حدود و مرز صحیح و ناصحیح و زشت و زیبا، باید فلسفه حیات و خلقت انسان روشن و مکشوف گردد. بزرگان و فلاسفه اسلام هدف و غایت حیات را گاهی مقام عبادت و ولایت، و گاهی وصول انسان به مقام حکمت و معرفت ذکر کرده‌اند، آنگاه در مقام بیان و تعریف حکمت آن را به دانایی، معرفت، علم، سخن استوار و مانند آن معنا و به دو بخش نظری و عملی تقسیم کرده‌اند. حکمت نظری و یا عقل نظری که عبارت است از: العلم بحقایق الاشياء كما هي بقدر الطاعة البشرية - علم به حقایق اشیاء آن چنانکه هست، به اندازه قدرت و توانایی بشر. غایت حکمت نظری، معرفت نسبت به موجودات و درک حقایق عالم است، و خود بر سه نوع است - الهیات، طبیعیات و ریاضیات.^(۴)

حکمت عملی نیز خود به سه قسمت تقسیم می‌شود: - تهذیب نفس، تدبیر منزل و سیاست مدن؛ اساس این تقسیم بندی آن است که یا این علم مربوط به مصالح شخص و چگونگی آراسته شدن به فضایل و دوری از رذایل بحث می‌کند، که به آن تهذیب نفس اطلاق می‌کنند و در علم اخلاق از آن سخن می‌گویند؛ یا مربوط به مصالح خانواده است که به آن علم تدبیر منزل اطلاق می‌شود و یا در ارتباط با جمعیتی است که به عنوان یک ملت و قوم و یا جامعه شناخته شده و ابعاد روابط آنها به داخل و خارج و بین الملل مربوط می‌گردد، در این صورت، این علم به عنوان «سیاست مدن» به طرح مسایل فیما بین، بررسی روابط آنها با یکدیگر و دستورهای لازم برای پویایی و تعالی آن جامعه می‌پردازد.

در حدیث معروفی آمده است: انما العلم ثلاثة: آية محكمة أو فريضة عادله أو سنة قائمة و ما خلا هن فهو فضل.^(۵) منظور از علوم، در این حدیث شریف عبارت است از: اعتقادات، اخلاقیات، و احکام و اعمال. علومی که در تمامی ابعاد وجودی و مراحل روحی، قلبی و عملی انسان را راهنما و هادی می‌گردد.^(۶)

خلاصه کلام این که هدف از خلقت، وصول انسان به کمالات و درک حقایق موجودات، رسیدن به مقام معرفت و قرب و حکمت عملی و علمی، فوز و سعادت دارین، خلود در دارنعمیم، تخلیه از رذایل، تحلیه به فضایل، نیل به جایگاه صدق و بارگاه ملیک با اقتدار است. خداوند متعال این راه را بر همه ما هموار، قلوب ما را به نور هدایت خود و قرآن و رسول ا... (ص) و اهل بیت

عصمت و طهارت نورانی و روشنی، و توفیق خیر و صلاح و فلاح و قرب، کرامت فرماید.

یادداشت‌ها

۱- روزنامه سلام، شماره ۱۲۴۱


۲- همان.

۳- مسایل بسیار مهم و ارزشمندی در این خصوص قابل بحث است که باید در فرصت مناسب به بحث و بررسی آنها پرداخت.

۴- تفصیل هریک و شعب هر قسم را باید در جای خود جستجو کرد.

۵- اصول کافی، ج ۱.

۶- درارتباط حدیث شریف جنود عقل و جنود جهل و یا احادیث مربوط به منجیات و مهلکات و کتب اخلاقی و عرفانی که بر این اساس تنظیم شده، مانند احیاء العلوم، کیمیای سعادت و معراج السعاده و ... بسیار گویا و آموزنده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی